

کمال بود و است و او از اولاد دبرام حسین است  
**مستقول است که سلطان** روزی سوار شد با خدمت  
 و چشم مؤذن بر مناره نایب آغاز کرد و سلطان حمد  
 گفت که حضرت خداوند را عزوجل تا و گفتند و مردم کتب  
 را غم به او بدیدند نشان باز نشیند و توقف فرمود و چون  
 بایک نماز گفت بعد از وفات او را و بدیدند از حال تر  
 فرمود خدای سبحان را امر زید بان قطعه و توافقی کردم  
 و والد او الامیر احمد بن سامان هم عالم بود است  
 و حدیث از سفیان بن عیینه و اسمعیل بن علی و زید  
 بن یارون و غیر اینان را و ابنت مسکیند و وفات  
 او در خانه است در سنه ۱۰۰ و ما بین و سلطان  
 اسمعیل را در او بر او بود یکی ابوالحسن نصر بن احمد  
 و او نیز عالم بود و از اهل حدیث و وفات او در سنه  
 ۱۰۰ و ما بین و ما بین است و بود در  
 دیار ابوالفضل است بن احمد حاکم بخارا بود و او نیز

نیز از اهل علم بود و وفات او در زندرخارا بود و در سنه  
 که مجوس بود در سفر سه اجدی عثمانی و فرزند پاد  
 شاه اسمعیل بن نصر احمد بن اسمعیل را غلامان او نمید  
 فریب کردند در فرزند در کنار صحن در جهادی از آن سنه  
 اجدی و عثمانی و وفات ابوالحسن نصر بن احمد بن  
 اسمعیل نبیره پادشاه اسمعیل در سنه ۱۰۰ و در سنه  
 سه اجدی و عثمانی و عثمانی و مدت ولایت او  
 سی سال و یکماه چهار روز بود است و وفات او در سنه  
 نوح بن نصر بن احمد بن اسمعیل در روز و شب  
 ربيع الآخر سنه ۱۰۰ و در سنه عثمانی بود است و  
 وفات ابوالفوارس عبد الملک بن نوح بن نصر بن  
 احمد بن اسمعیل در روز چهارشنبه شوال سنه  
 و عثمانی بود است و وفات ابوالفضل منصور  
 بن نوح بن نصر در سوال سنه ۱۰۰ و سنه عثمانی  
 بود است و وفات ابوالکاسم نوح بن منصور بن نوح